

الحمد لله
البرحمين

عنوان مقاله :

بررسی تطبیقی مضامین اجتماعی در اشعار

مهدی اخوان ثالث و معروف الرصافی

پژوهشگر :

حسین کاووسی لرد

کارشناسی رشته دبیری الهیات و معارف اسلامی

دانشگاه فرزانگیان

پردیس امام علی (ع) شهرستان رشت

فروردین ۱۳۹۶

فهرست

۴	چکیده
۵	مقدمه
۶	نگاهی به زندگی مهدی اخوان ثالث
۸	نگاهی به زندگی معروف الرصافی
۹	فضای سیاسی و اجتماعی دوره اخوان ثالث و معروف الرصافی
۱۱	مسائل اجتماعی در اشعار اخوان ثالث و معروف الرصافی
۱۱	۱- جهل
۱۱	۲- فقر
۱۲	۳- زن
۱۳	۴- آزادی
۱۶	نتیجه گیری
۱۷	منابع و مأخذ

شاعر یا نویسنده مولود و محصول اجتماع است و به عنوان فردی که در درون گروه‌های اجتماعی رشد می‌کند، زبان را نه به عنوان هدف بلکه به عنوان وسیله به خدمت می‌گیرد و با استفاده از همه‌ی امکانات آن، ساختار ذهنی خویش را در قالب یک اثر به جامعه‌ی خود عرضه می‌دارد و دردهای اجتماعی، رنج‌های مردم، سرخوشی‌ها و ناخوشی‌ها، مهر و خنده، شکست و پیروزی، سیاست و مدنیت، تاریخ و فرهنگ، جامعه و خانواده و شخصیت را در آئینه‌ی نام شعر در برابر دید مخاطب قرار می‌دهد. تحلیل گران این نوع شعر را «انسان مدار» می‌دانند. شعر معاصر آن گونه که باید برای انسان به طور اعم و انسان عصر خویش به طور اخص ارزش قائل است و آئینه‌ی دردهای جامعه‌ی انسانی است. بدین ترتیب شعر معاصر در چنین فضایی است که به تبیین اهداف خویش می‌پردازد.

شعر معاصر تعهد به اجتماع را وظیفه خویش می‌داند و شاعرانی را به اجتماع معرفی می‌کند که در راستای تصویر مفاهیم اجتماعی و حل مشکلات آن می‌کوشند. از برجسته‌ترین شعرایی که در این راه حرکت کرده‌اند می‌توانیم به معروف الرصافی و مهدی اخوان ثالث در دو کشور اسلامی ایران و عراق اشاره کنیم که در شرایطی مشابه زندگی کرده‌اند و با توجه به زمینه‌های فکری و عقیدتی مشترکی که داشتند دارای ایده‌هایی مشترک در برخورد با مسائل اجتماعی دوران خود بودند. این مقاله می‌خواهد با نگاهی به شعر و مضامین اجتماعی شعری این دو شاعر به بررسی تشابهات مصادیق شعرشان نسبت به مسائل اجتماعی بپردازد.

کلید واژه‌ها: شعر معاصر، مشکلات سیاسی، مشکلات اجتماعی، جهل و فقر و زن و آزادی. تلاش و مبارزه.

با حمد و ستایش پروردگار عالمین و سلام و درود به محضر پاک پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصوم (علیهم السلام) و سلام و درود به محضر پاک بقیه الله الاعظم (اروحنا فداه)

آغاز قرن بیستم طلیعه تحولاتی شگرف در سطح جوامع انسانی بود. این تحولات که با حرکت چرخ ماشین ها آغاز گشته بود. در عرصه روابط انسانی به شکل برجسته ای رخ نمایاند و در منزلگاه سوم هنر و به ویژه شعر را تحت تاثیر خود قرار داد. لذا شعر این قرن ، پژواک همه انسان تجربه می کرد و این مهم آن گاه که قرن از نیمه جریانات و تحولاتی شد که انسان تجربه می کرد و این مهم آن گاه که قرن از نیمه گذشت . مسیر تکاملی در پیش گرفت و خود را به عنوان اصلی ترین شاخصه مطرح نمود.

پرداختن به مسائل اجتماعی در شعر سرلوحه ی تجربیات شعری شاعران قرار گرفت ، شعرهای عربی و فارسی با توجه به ظرفیتی که در خود داشتند در برابر دغدغه های اجتماعی رویکردی مشابه را دنبال کردند شاعران مختلف این دو زبان که مسائل اجتماعی مشترکی دغدغه ی شعری آنها بود آنها خود را مدیون مردم و مکلف به هدایت آنها می دانستند. از میان این دست از شاعران فارسی و عربی دو شاعر برجسته هستند که مسائل اجتماعی در شعرشان متبلور شده است این دو شاعر مهدی اخوان ثالث و معروف الرصافی هستند که در این مقاله قصد دارم تشابهات مضامین اجتماعی در اشعارشان را بررسی و بیان کنم.

نگاهی به زندگی مهدی اخوان ثالث:

مهدی اخوان ثالث شاعر پرآوازه و موسیقی پژوه ایرانی بود. نام و تخلص وی در اشعارش م. امید بود. اشعار او دارای لحن حماسی آمیخته با صلابت و سنگینی شعر به سبک خراسانی و نیز در بردارنده ترکیبات نو و تازه است. اخوان ثالث در شعر کلاسیک فارسی توانا بود و در ادامه به شعر نو گرایید. از وی اشعاری در هر دو سبک به جای مانده است. همچنین او آشنا به نوازندگی تار و مقام های موسیقایی بود.

الف) سبک شعری مهدی اخوان ثالث:

چیره دستی اخوان در شعر حماسی است. او درون مایه های حماسی را در شعرش به کار می گیرد و جنبه هایی از این درون مایه ها را به استعاره و نماد آراسته می کند

تصویری که از م. امید در ذهن بسیاری به جا مانده این است که او از نظر شعری به نوعی نبوت و پیام، به گفته برخی از منتقدین آوری روی آورده و از نظر عقیدتی آمیزه ای از تاریخ ایران باستان و آراء عدالت گاه ایران، خواهانه پدیدآورده و در این راه دوستی او جنبه نژادپرستانه پیدا کرده است. در واقع اخوان ثالث شعر را چنین تعریف می کند: شعر محصول بی تابی انسان در لحظاتی است که در پرتو شعور نبوت قرار می گیرد

شعرهای اخوان در دهه شمسی روزنه هنری تحولات فکری و اجتماعی زمان بود و بسیاری از جوانان روشنفکر و هنرمند ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ های آن روزگار با شعرهای او به نگرش تازه ای از زندگی رسیدند. مهدی اخوان ثالث بر شاعران معاصر ایرانی تأثیری عمیق داشته است

مجموعه، هنر اخوان در آمیزش شعر کهن و سبک نیمایی و سوگ او بر گذشته ای به وجود آورد که خاص او بود و اثری عمیق در هم نسلان او و نسل. های بعد گذاشت

ب) اخوان از نگاه دیگران :

جمال میرصادقی درباره اخوان گفته است: من اخوان را از آخر شاهنامه شناختم. شعرهای اخوان جهان بینی و بینشی تازه به من داد و باعث شد که نگرش من از شعر به کلی متفاوت شود و شاید این آغازی برای تحول معنوی و درونی من بود.

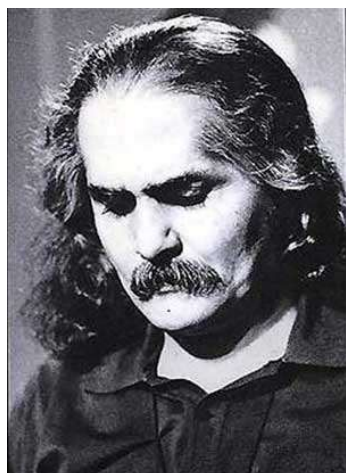
اسماعیل خویی، شاعر ایرانی مقیم بریتانیا و از پیروان سبک اخوان معتقد است که اگر دو نام از ما به آیندگان برسد یکی از آنها احمد شاملو و دیگری مهدی اخوان ثالث است که هر دوی آنها از شاگردان نیمایوشیچ هستند. اخوان از ادب سنتی خراسان و از قصیده و شعر خراسانی الهام گرفته ، به گفته خویی است و آشنایی او با زبان و بیان و ادب سنتی خراسان به حدی زیاد است که این زبان را به راستی از آن خود کرده است. و

ج) آثار و درگذشت :

از کتب معروف مهدی اخوان ثالث می توان به کتابهای ارغنون ، زمستان ، آخر شاهنامه ، از این اوسطا ، پاییز در زندان و منظومه شکار اشاره کرد.

اخوان ثالث چهل روز پس از بازگشت از خانه فرهنگ آلمان در چهارم شهریور ماه سال ۱۳۶۹ در تهران دار فانی را وداع گفت و در توس در کنار آرامگاه فردوسی به خاک سپرده شده است.

د) نمونه شعر :



سلامت را نمی خواهند پاسخ گفت سرها در گریبان است

کسی سر برنیارد کرد پاسخ گفتن و دیدار یاران را

نگه جز پیش پا را دید نتواند که ره تاریک و لغزان است

وگر دست محبت سوی کس یازی به اکراه آورد دست از بغل بیرون

که سرما سخت سوزان است

نگاهی به زندگی معروف عبد الغنی الرصافی :

در سال ۱۸۷۵ در عراق متولد شد . قرآن را حفظ کرد و سپس وارد مدرسه نظام شد . اما طولی نکشید که از مدرسه نظام انصراف داد و به مدارس علمی در بغداد روی آورد . در بغداد وارد مدرسه ۱۲ محمود شکری الالوسی (که در آن زمان دانشمند مشهور در زبان و ادبیات عرب بود) شد . و نزد وی سال شاگردی کرد و او بود که راه ادبیات را به او نشان داد ؛ راهی که تاثیر شگرفی در زندگی شاعر به جای گذاشت . شاعر از سختی و تنگی معیشت بسیار در رنج بود تا آن جا که در برخورد با مردم به خاطر اوضاع بد و بی مایگی اش احساس ناراحتی می کرد . گاهی به حرفه آموزش روی می آورد و گاهی به روزنامه نگاری . و در سال ۱۹۲۴ هم بازرس زبان عربی در وزارت معارف عراق وهم استاد دانشسرای عالی بغداد گشت . و در سال ۱۹۲۸ از شغل خود استعفا دادو به مدت ۸ سال عضو مجلس بغداد گشت و بعد از آن دوره هشت ساله از کار کناره کشید و سپس در سال ۱۹۴۵ بدرود حیات گفت .

رصافی بر تهیدستان و بینوایان بسیار مهربان بود و در این موضوع قصائد بسیاری سروده است که در این اشعار درد ها و مصیبت های آنان را به تصویر کشیده است . مردمش را به مهربانی با آنان و دستگیری از آن ها و کاستن درد ها و غمهایشان تشویق می کرد . قصائد زیر در باره ی موضوعات ذکر شده معروف است : المهجورة - الطفل فی مشهد الحریق - أم - قه - المطل - الیتیم فی العید .

شاعر در این فن استادی کامل داشت چون خود تلخی زندگی را چشیده بود . و قصیده " الأرملة المرضعة " نمونه ای از اشعار اجتماعی وی می باشد که سرشار از احساس و عاطفه فراوان است . بر همگان روشن است که تنها کسی می تواند جلوه های بد بختی و بینوایی را ترسیم کند که هم ادیب باشد و خود تلخی فقر و ناداری را چشیده باشد وهم شاعر باشد و احساس لطیف و انسانی داشته باش .

نمونه شعر :



تبکی لشکو من داء الم بها
و لست افهم منها كنه شكواها
ويح ابنتي ان ريب الدهر روعها
بالفقر و اليتيم آها منهما آها
كانت مصيبتها بالفقر واحده
و الموت والدها باليتيم ثناها!

فضای سیاسی و اجتماعی در زمان اخوان ثالث و معروف الرصافی :

زندگی مهدی اخوان ثالث مصادف است با دهه ی ۳۰ و ۴۰ که سالهایی بسیار حساس و پر از تنش در تاریخ ایران اسلامی است که از طرفی عدم کفایت سلسله پهلوی از طرفی وقوع جنگ جهانی دوم و حملات متفقین از شمال و جنوب به ایران و استفاده از ایران به نفع خود و پس از آن بلوک بندی شرق و غرب و فعالیت‌های احزاب مختلف و تنش های بین نیروی های ملی و مذهبی و ... می باشد که هر کدام به تبع بر فضای اجتماعی و اقتصادی ایران تاثیراتی بسیاری گذاشته بود.

آغاز جوانی او مصادف بود با شروع جنگ جهانی دوم و استعمار فکری و اقتصادی کشورهای آمریکایی و آفریقایی و تلاش مردم برای رهایی از استبداد رضا خان و گرچه او اهل حزب خاصی نبود اما فعالیت های سیاسی بسیاری انجام می داد و به همین دلیل زندانی و سپس به کاشان تبعید شد. یکی از اتفاقاتی که روی شعر او تاثیر گذاشت کودتای ۲۸ مرداد بود که حاصل آن شعر زمستان بود. اخوان از مسئولیت خویش در قبال مردم ایران آگاه بود و در تظاهرات مردم علیه رژیم شاه شرکت می کرد و پس از پیروزی انقلاب وقتی که به خواسته خود رسید از فعالیت‌های سیاسی کناره گرفت.

زندگی معروف الرصافی با استبداد ها و استکبار ها و جریانات سیاسی ظالمانه در کشور عراق مثل اتفاقات مربوط به قانون اساسی کشور عراق ، جنگ جهانی اول ، انقلاب ۱۹۲۰ ، معاهده ۱۹۳۰ ، انقلاب رشید عالی گیلانی در عراق ، هم عصر شده بود که میتوان بازتاب های این مسائل سیاسی که به تبع بر روی مسائل اجتماعی تاثیر می گذارند را در شعر های او مشاهده کرد . عمده مسائل اجتماعی که در شعر معروف الرصافی وجود دارد از مفاهیمی مثل جهل و عدم آگاهی مردم ، تلاش برای استقلال و آزادی ، اقتصاد ضعیف و وابسته و فقر مردم عراق ، نگاه خصمانه به زن در جامعه و ... تشکیل می شود.

شعر معروف الرصافی آینه تمام نمای این جریانات سیاسی و اجتماعی کشور عراق است . رصافی شعرش را در خدمت به اجتماع و وطنش به کار گرفت و به تلاش برای مبارزه با جهل و نادانی مردم کشورش پرداخت او همچنین از مردم کشورش میخواست تا با فراگیری علم و دانش از رخنه ی جهل و نادانی دوری کنند . همچنین او سرسختانه خواستار آزادی زن از قید و بند های موجود در جامعه عراق و اجازه به حضور زنان در اجتماع بود. رصافی میخواست تا مردم جامعه اش آزاد باشند و در بیان و اندیشه آزادی داشته باشند .

او در حالی به مبارزه با جریانات مخمل سیاسی و اجتماعی میپرداخت که هر شاعری جرات چنان جسارتهایی را نداشت او علاوه بر مبارزه با قلم با عمل هم مبارزه می کرد و در بسیاری از مسائل سیاسی و وطنش حضور فعال داشت .

همچنین باید گفت که او بیش از همه از افکار سید جمال الدین اسد آبادی درباره وحدت جامعه اسلامی تاثیر گرفته بود . همچنین درباره اختراعات تازه زمانه اش مثل قطار ، ماشین ، ساعت و تلگراف اشعاری دارد.

با ترسیم گذرایی که از فضای سیاسی دوران این دو شاعر شد میتوان به راحتی به تاثیر منفی آن بر فضای اجتماعی آن دوره شد . این مشکلات سیاسی نتیجه ای جز فقر و فساد و جهل و بی عدالتی نداشت که در اشعار این دو شاعر تلاش و مبارزه بر ضد آنها مشخص است و فضای سیاه اجتماع دوران خود را در اشعارشان نشان داده اند.

مسائل اجتماعی در اشعار اخوان ثالث و معروف الرصافی:

۱- جهل :

یکی از مسائل اجتماعی که در شعر اخوان ثالث متبلور می شود مساله جهل و نادانی است که از موجبات سرنگونی ملت ها برشمرده می شود . جهل باعث می شود انسان همواره در تسلسلی از عقب ماندگی و تباهی زندگی کنند در اشعار او عموماً شب و تاریکی نشانه نادانی و جهل استو این غفلت و بی خبری با خواب تشدید می یابد او مردم را از نادانی بر حذر می دارد و آگاهی را چون آتشی گرما بخش می داند.

پدیده جهل از جمله پدیده هایی است که معروف الرصافی از آن به تنگ آمده بود . فریادهای کوبنده شاعر در مبارزه با این زالوی بی رحم همواره در طول زندگی اش در جهان طنین انداز بود . از آنجا که شاعر عامل اصلی عقب ماندگی و از دست دادن هویت و استقلال سیاسی را در جهل و نادانی می دید . او همچون انسان در حال مرگ از سایه جهل می هراسد و به فریاد در می آید این امر نوعی اضطراب و پریشانی را در سراسر وجود شاعر بوجود آورده بود . لذا مرگ را برای هموطنان جاهل خود آرزو می کند . رصافی از زندگی که به غبار ظلم و خفت و خواری آلوده باشد گریزان است و آنرا با زندگی حیوانات یکی می داند.

۲- فقر :

مساله ای دیگر که در شعر اخوان ثالث وجود دارد مساله فقر است او این مساله را در شعر خزاب بیان می کند و سود جویان را کسانی می داند که جز بت زرد طلا معبودی را نشناخته و نمی پسندند از طرفی هم فضای فقر آلود اطرافیان را نمی پسندد و از آنها می خواهد تا آگاهانه همتی کنند و فقر را از زندگی خود حذف کنند. او نابرابری اجتماعی و سو استفاده از دسترنج کارگران را از نمونه های اعلا ی ناهنجاری اجتماعی می داند و معتقد است اگر در اجتماع آگاهی حاصل شود می توان با مبارزه فقر و نادانی را ریشه کن کرد.

وضعیت اقتصادی مردم عراق مساعد نبود ، او عامل فقر مردم عراق را حاکمان می دانست که با رفتار و مدیریت غلط خود موجب فراگیری فقر شده بودند . شاید مهم ترین مسئله اجتماعی در شعر رصافی هم مسئله فقر باشد که رصافی بطور معمول برای بیان مسائل مربوط به فقر از شعر های داستانی استفاده کرده است . او در شعری عامل خشک شدن دجله و فرات را که موجب رونق زندگی مردم بودند ، حاکمان بی کفایت می دانست . او در آن قصیده به گفتگو با دجله و فرات نشسته و از نوحه سرایی بلبلان اطراف این دو رود سخن می گوید :

رب یوم وردت دجله فیه موردا خالیا عن الورد

حیث ینصب فی سکوت عمیق مائوها دائما ضفاف الوردی

او در قصیده آل السلطنه وضعیت زندگی عاقبت مندانه حکمرانان بر خانه های خراب . فقیرانه مردم عراق را بیان کرده و به آنها هشدار می دهد که سزای اعمال خود را خواهند دید :

و لهم اعدو بهاء و اماء و نعیم و رفعه و جلاله

یاکلون اللباب من کد قوم اعوزتهم سخیئه من نخاله

۳- زن:

شعر مهدی اخوان ثالث در موضوع زن گرایش به بررسی جایگاه زن در خانواده ، شوهر داری و تربیت فرزندان است و بدلیل فضایی نسبتا آزاد برای زنان در ایران اشعار بارزی نسبت به عقب ماندگی زنان در اجتماع به چشم نمی خورد.

اخوان ثالث در اشعار خود بیشتر به وصف زن و ربط آن به توصیفات اساطیری از زنان می پردازد و از کلماتی مثل پری ، اژدها ، مار خوش خط وخال و ... استفاده میکند.

او زنی را که متعهد باشد و مسئولیت خانه داری و شوهر داری و تربیت فرزندان را به دوش بکشد زنی با غیرت معرفی کرده است .

جامه جنست زن است اما

دردو غیرت در تو دارد ریشه ایی دیرین

که از بسیار هم بیشی , کم مبین خودرا

ای غمگین , گوهر غیرت گرامی دار

زندگی می گوید...

جهان عرب پس از مشاهده پیشرفت های کشور های غربی در صدد جبران عقب ماندگی های خود بر آمد که در این راه شاعران و روشنفکران زیادی تلاش کردند با توجه به افکار قدیمی که نسبت به زن بدبینانه بوده و با توجه به قدمت خود در افکار اعراب دوانیده شده بود ، بر طرف کردن آن هم کار ساده ای نبود . رصافی سرسختانه خواستار آزادی زن از قید و بند های موجود در جامعه عراق و اجازه به حضور زنان در اجتماع بود. رصافی میخواست تا مردم جامعه اش آزاد باشند و در بیان و اندیشه آزادی داشته باشند .

او بخشی از دیوان خود را به زنان اختصاص داده است که از آن با عنوان « نسائیات » یاد می شود و خواهان اعاده حقوق از دست رفته زنان است ، رصافی عادت های نا پسند و کج فهمی های مردم از دین را عامل این ظلم ها میدانند .

۴- آزادی :

اخوان از آن شاعران ژرف نگر است که آزادی را در فرایند تاریخ در سیر تحولات فکری انسان می نگرد و می رسد به ایران روزگار خود، که در فقدان آزادی می سوزد از این زاویه آزادی در «نبود» و «غیاب» خود مطرح است که شاعر پاسداری از آن را وظیفه ی خود می داند:

درین سرما، گرسنه، زخم خورده

دویم آسیمه سر بر برف، چون باد

ولیکن عزت آزادگی را

نگهبانیم، آزادیم، آزاد

نگهبان آزادی بودن در سرما و زمستان، بیانگر وضعیت حاد و بغرنج اجتماعی و سیاسی و فرهنگی ایران دهه ی سی و چهل است، این دو دهه از پربارترین دوران شعر معاصر است و همچنین همراه با بیان دردهای اجتماعی و یافتن آزادی است آزادی با هر تعریفی که، در جوامع استبدادی به منصفی ظهور می‌رسد، در این جوامع آنقدر فضای اجتماع رو به رکود و انزوا می‌رود که قشر روشنفکر برای رهایی از وضعیت به دنبال آزادی و تفسیر آن می‌رود، حتی از دختر کوچک خود می‌خواهد با دستهایش حصار سردی نور را بشکند:

با دستهای کوچک خویش

بشکاف از هم پرده ی هوا را

بشکن حصار نور سردی را که امروز

در خلوت بی بام و در کاشانه ی من

پر کرده سرتاسر فضا را

«حصار نور سرد» به خوبی گویای وضعیتی متشنج و پا در هواست که شاعر با چشم های تیز بین خود آن را درک می‌کند، و شرایط آنقدر بهم ریخته می‌شود که نور این عامل روشنایی - خود تبدیل به حصار و زندانی برای افراد جامعه می‌شود اخوان در صحبت از آزادی، در بسیاری از مواقع از زندان یاد می‌کند، زندان معادل خوبی برای فقدان آزادی و نبود رهایی در جامعه ی ماست، زندان یادآور اسارت در چنگال استبداد و رفتن به حوالی فاجعه است:

هی فلانی! با شما بودم

هیچ میدانی که زندان چیست

از کدامین قاره ست این بوم

هیچ می‌دانی که این بوم آشنا، این شوم

از چه اقلیمی ست

اصلش اول یادگار از کیست ؟

شاعر از مخاطب می‌پرسد: «آیا می‌دانی زندان چیست»، اولین تلنگر را این سوال در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند و در سطرهای بعدی با بر شمردن مشخصات اجتماع خود با سوال مطرح می‌شود، فضای آن روز را شرح می‌دهد، اخوان، عاشق ایرانی آزاد است، بارها و بارها در جای جای شعر خود آن را با زبان و تصویرهای متفاوت بیان می‌کند، زندان برای اخوان، حکایت از دردی عمیق دارد، در انسان‌های دربند و اسیری که از استنشاق هوای آزاد محروم اند:

آه باور کن فلانی جان

من درین زندان بی فریاد

می‌شناسم بی نوایانی که خود را نیز شناسند

می‌شناسم تیره بختانی که حتی اسم خود را نیز

برده اند از یاد

در کنار شاتقی، با من

گرگلی خان ساکت و غمگین قدم می‌زد

من دلم می‌سوخت اما حیف

کاری از دستم بر نمی‌آید

آزادی در اندیشه‌ی معروف رصافی نیز به معنای به دست آوردن حقی برای ابراز افکار و اندیشه‌ها به صورت بی قید و بند است. به عبارت دیگر مفهوم آزادی در شعر رصافی «السجایا فوق العلم و فوق : مترادف با مفهوم امروزی آزادی اندیشه، بیان و قلم است» در قصیده‌ای رصافی پس از تشویق ملت عرب به جهاد در راه وطن، از فقدان آزادی اندیشه شکایت می‌کند که ترجمه‌ای از آن را به اختصار می‌آورم: (از روی جهل و نادانی در تاریکی کامل راه می‌رویم که ما را در هم می‌شکند و ظلم و تاریکی مطلق بر ما وارد می‌کند. آزادی اندیشه در میان ما مجاز نیست و آزاده میان ما مورد اهانت قرار می‌گیرد و مورد احترام نیست.)

رصافی در قصیده‌ی (شکوی الی الدستور) شکایت خود را نزد قانون می‌برد:

بک ایوم نرجو ان یری نهضه الشرق

فهل ایها الدستور تسمع شاکیا

و انت علیهم حجه لا علی الخلق

نراک بایدیهم علی الخلق حجه

ترجمه کامل قصیده: ای قانون آیا صدای شاکي را که امروز به نزد تو آمده و امید دارد که بیداری مشرق زمین را ببیند، می شنوی؟ ما تو را مانند حجتی در دست مردم میدانیم در حالی که تو به حجتی برای دشمنان تبدیل گشته‌ای. آیا رضایت میدهی که حکومت را به جماعتی اختصاص دهی و برای دیگران بسان جوهری بر پوست باشی؟! پس ای قانون هر گونه میخواهی حکم کن و بدرخش اما بسان ابر برق زنده بی باران مباش و بی فایده مباش. ما امروز به دنبال حکم کردن بر آنان نیستیم ولی ما آنان را صدا میزنیم و به سوی حق فرا می خوانیم .

نتیجه گیری :

مسائل اجتماعی در عصر جدید به پیچیده ترین شکل ظهور می کنند و شاعران متعهد معاصر نیز وظیفه ی خود می دانستند تا با روشنگری در شعر خود مردم را راهنمایی کنند تا از زندان فجایع اجتماعی رهایی یابند . دو شاعر معاصر و متعهد در دو کشور اسلامی که تقریباً هم عصر بودند معروف‌الرصافی ومهدی اخوان ثالث ، شاعران عراقی و ایرانی بوده اند که در برابر مشکلات فرهنگی ایستادگی نموده، مردم را به مبارزه علیه آنها دعوت کرده‌اند.

این دو شاعر در یک شرایط اجتماعی و سیاسی مشترک زندگی کردند و مشاهده کردند که مردمشان غرق در فقر و جهل و رذائل اجتماعی به جای تلاش برای رهایی در خواب اند و خود را سرگرم کار های بیهوده کرده اند و در سلطه کسانی زندگی می کنند که خود زیر سایه استعمار غرب خفته اند و با استبداد و استکبار خانه های فرهنگ جامعه را میسوزانند .

مهدی اخوان ثالث یک فعال سیاسی و اجتماعی که خود زخم دیده استبداد بود و سالها در زندان و تبعید به سر برده و به خوبی از اوضاع سیاسی و اجتماعی کشورش آگاه بود و با استفاده از سلاح شعر ، آن هم سلاحی جدید به نام شعر نیمایی سعی در فریاد در گوش مردم خفته داشت . آری او می دانست که مردم کشورش با فقر و جهل و استبداد پادشاهان و هزاران مشکل و رذیلت های اخلاقی دست و پنجه نرم می کنند و تلاش می کرد تا با آتش شعرش ، یخ های ظلم و فقر و جهل و ... را آب کند تا تن مرده فرهنگ اسلامی ایرانی نفسی دوباره بکشد.

رصافی هم با آن اشعارش نشان داد که وطن برای او که جانش را فدای وطن می کرد خیلی مهم بود و نمی توانست

بی فرهنگی و تیره بختی های آن را تحمل کند و از آن به راحتی عبور کند و با تمام وجود کوشید تا ملتش را از قید و بند ذلت و بردگی و جهل و فقر رهایی بخشد و به سوی فرهنگ و آزادی رهنمون گردد . شعر تنها سلاحی بود که شاعر می توانست بوسیله ی آن و با تمام وجود از فرهنگ جامعه خود دفاع کند . در ابیاتی که بررسی شد به خوبی آشکار می شود که معروف الرصافی از تمام توان شعری خود برای مبارزه با ظلم و استفاده از قدرت شعر اجتماعی بر علیه استبداد و مشکلات اجتماعی بهره می جوید تا به روشنگری نسل خود در عراق و دیگر کشور های اسلامی بپردازد و سنگ بنای مخالفت با هر گونه استبداد و تزییع حق دیگران را در زمان خود بنیان گذاری کند .

منابع و مآخذ:

۱. اخوان ثالث . مهدی . زمستان . ج شانزدهم . مروارید . تهران . ۱۳۷۹
۲. دستغیب . عبد العلی . نگاهی به مهدی اخوان ثالث . ج دوم . مروارید . تهران . ۱۳۷۳
۳. شاملو . احمد . هوای تازه . ج هشتم . نگاه - زمانه . تهران . ۱۳۷۲
۴. اخوان ثالث . مهدی . آخر شاهنامه . چاپ هشتم . مروارید . تهران . ۱۳۶۳
۵. ابو حامد . احمد . الالتزام فی الشعر العربی . دار العلم متعلمین . بیروت . ۱۹۷۹
۶. الحاوی . ایلیا . معروف الرصافی الثائر و الشاعر . دار الکتاب اللبنانی . ۱۹۷۸
۷. رصافی . معروف . الاعمال الشعریه الكامله . دار العوده . بیروت . ۲۰۰۰
۸. بدری . سعید . آراء الرصافی فی السیایه . بغداد . ۱۹۵۱
۹. محمدی عاملی . محمد رضا . آواز چگور . ثالث . تهران . ۱۳۷۷
۱۰. اخوان ثالث . مهدی . در حیات کوچک پاییز در زندان . بزرگمهر . تهران . ۱۳۶۹

مقالات :

۱. رجبی . فرهاد . دغدغه های اجتماعی اخوان ثالث . مجله زبان و ادبیات عرب شماره چهارم . ۱۳۹۰
۲. عموری . نعیم . واکاوی تطبیقی مضامین ادبیات پایداری در شعر اخوان ثالث . دو فصلنامه ادبنامه تطبیقی . ۱۳۹۳
۳. تسلیم . فاطمه . بررسی مضامین سیاسی در شعر اخوان ثالث . انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی . ۱۳۹۱